
بررسی فقهی و حقوقی قرارداد الکترونیکی و فسخ آن از منظر فقه و حقوق موضوعه ایران

جواد وفادار^{۱*}

۱. نویسنده مسئول، دانشجو دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

چکیده

با توسعه فناوری‌های نوین و افزایش استفاده از قراردادهای الکترونیکی در معاملات تجاری و حقوقی، بررسی این قراردادها از منظر فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران ضروری به نظر می‌رسد. هدف این پژوهش، تحلیل فقهی و حقوقی قراردادهای الکترونیکی و فرایند فسخ آن‌ها، با تمرکز بر اصول فقهی نظیر رضایت و اجازه طرفین و مسائل حقوقی مانند اعتبار پیام‌های الکترونیکی و حق فسخ است. روش تحقیق به صورت بنیادی و نظری طراحی شده و شامل استفاده از منابع کتابخانه‌ای و تحلیل‌های عقلانی برای بررسی دقیق این مسائل می‌باشد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که با وجود تلاش‌ها برای تطبیق قوانین داخلی با استانداردهای بین‌المللی، همچنان چالش‌هایی در تفسیر و اجرای قراردادهای الکترونیکی وجود دارد. برای کاهش این مشکلات، تطبیق دقیق‌تر قوانین داخلی با اصول بین‌المللی و فقهی و همچنین تدوین راهکارهای اجرایی جدید توصیه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: قرارداد الکترونیکی، فسخ قرارداد، فقه اسلامی، حقوق موضوعه ایران، تجارت الکترونیکی.

۱. مقدمه

با ورود فناوری‌های نوین به عرصه تجارت و تعاملات حقوقی، قراردادهای الکترونیکی به یکی از ارکان کلیدی در مبادلات تجاری و حقوقی تبدیل شده‌اند (گلستانی، ۱۴۰۱: ۲۳/۱۵۴). این تحول در نحوه انعقاد قراردادها و تبادل اطلاعات، نیازمند تجدیدنظر در اصول و قوانین حاکم بر قراردادها است. بررسی فقهی و حقوقی قراردادهای الکترونیکی و به‌ویژه موضوع فسخ این قراردادها، به دلیل تغییرات اساسی در شیوه‌های معاملاتی و چالش‌های جدیدی که ایجاد کرده، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با گسترش تجارت الکترونیکی و استفاده فزاینده از ابزارهای دیجیتال در انعقاد قراردادها، بررسی فقهی و حقوقی قراردادهای الکترونیکی به امری ضروری تبدیل شده است (السان، ۱۳۹۵: ۷۳/۱۶). اهمیت این موضوع به ویژه در زمینه حفظ حقوق طرفین و جلوگیری از بروز اختلافات ناشی از نحوه انعقاد و فسخ این قراردادها مشخص می‌شود. همچنین، تطبیق قوانین داخلی با اصول بین‌المللی و استانداردهای جهانی در این زمینه، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هدف اصلی این مقاله تحلیل فقهی و حقوقی قراردادهای الکترونیکی با تمرکز بر مسائل مربوط به تفسیر و فسخ آنها است. از این رو، مقاله حاضر به دنبال ارائه چارچوبی جامع برای تحلیل و حل مشکلات حقوقی و فقهی مربوط به قراردادهای الکترونیکی است. قراردادهای الکترونیکی به طور کلی به قراردادهایی اطلاق می‌شود که از طریق ابزارهای الکترونیکی مانند ایمیل، وبسایت‌ها، و سایر فناوری‌های دیجیتال منعقد می‌شوند (مافی، ۱۳۸۹: ۱۰۴/۱۱۳). تفاوت اصلی این نوع قراردادها با قراردادهای سنتی، در نحوه انعقاد و عدم حضور فیزیکی طرفین در فرآیند امضا و تبادل اطلاعات است. این ویژگی‌ها باعث شده است که چالش‌های جدیدی در زمینه تفسیر و اجرای قراردادهای الکترونیکی ایجاد شود. تفسیر قراردادهای الکترونیکی از جنبه‌های فقهی و حقوقی نیازمند توجه ویژه‌ای است. در فقه اسلامی، اصولی مانند رضایت و اجازه طرفین در انعقاد قراردادها از اهمیت بالایی برخوردار است. در حقوق ایران نیز، تطبیق این اصول با ویژگی‌های خاص قراردادهای الکترونیکی نیازمند تحلیل دقیق است (شهاوند، ۱۳۹۶: ۴۲/۲۲). همچنین، چالش‌های اجرایی مانند تعیین اعتبار پیام‌های الکترونیکی و نحوه فسخ قراردادها از جمله مسائل مهمی هستند که باید به آنها پرداخته شود. یکی از چالش‌های عمده در قراردادهای الکترونیکی، تعارض بین قوانین داخلی و بین‌المللی است. با وجود تأکید قانون تجارت الکترونیکی ایران بر خصوصیت بین‌المللی، هماهنگی کامل با قوانین جهانی و اصول فقهی همچنان مشکل‌ساز است. بررسی این تعارضات و ارائه راهکارهای مناسب برای رفع آنها از جمله اهداف این مقاله است. نتیجه‌گیری از این تحقیق به درک بهتر مسائل حقوقی و فقهی مربوط به قراردادهای الکترونیکی و ارائه راهکارهایی برای رفع چالش‌های موجود کمک خواهد کرد. پیشنهادات عملی برای تطبیق قوانین داخلی با استانداردهای بین‌المللی و بهبود فرآیندهای اجرایی در زمینه قراردادهای الکترونیکی، از جمله نتایج مورد انتظار این تحقیق است. این مقاله سعی دارد با بررسی دقیق و تحلیل جامع این مسائل، به ایجاد چارچوبی مناسب برای مدیریت و اجرای قراردادهای الکترونیکی در حقوق ایران و فقه اسلامی کمک کند.

۱. روش تحقیق

روش تحقیق پژوهش حاضر به طور بنیادی و نظری طراحی شده است. برای گردآوری اطلاعات و مباحث اولیه، از روش کتابخانه‌ای استفاده می‌شود که شامل بررسی و تحلیل دقیق اسناد و مدارک موجود در منابع علمی معتبر نظیر کتب تخصصی، مقالات علمی، و قوانین مرتبط است. پس از جمع‌آوری داده‌ها، این اطلاعات با استفاده از روش‌های تحلیلی و عقلایی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند تا به درک عمیق‌تری از مسائل نظری دست یابیم.

۲. بدنه اصلی

۱.۳ مفهوم و تفسیر قرارداد با تأکید بر قراردادهای الکترونیکی در حقوق ایران

قرارداد به عنوان یکی از مفاهیم اساسی در نظام‌های حقوقی، به معنای توافقی است که میان دو یا چند شخص برای ایجاد، تغییر، یا انتقال وضعیت حقوقی منعقد می‌شود. ماده ۱۸۳ قانون مدنی ایران، عقد را به عنوان توافقی میان طرفین تعریف می‌کند که تعهداتی را برای آنان ایجاد می‌کند و این تعهدات باید مورد قبول طرف مقابل قرار گیرد (کاتوزیان، ۱۳۱۷: ۱۱۱/۱-۱). در فقه اسلامی و حقوق ایران، عقود به دو دسته‌ی تملیکی و عهدي تقسیم می‌شوند؛ عقود تملیکی بیشتر بر انتقال مالکیت تأکید دارند و عقود عهدي بر تعهدات متقابل (محقق داماد، ۱۳۱۱: ۹۵/۱). تفسیر قرارداد به معنای روشن کردن نیت و قصد واقعی طرفین از طریق بررسی الفاظ و شرایط قرارداد است. این فرآیند شامل تفسیر لفظی و تفسیر اراده باطنی می‌باشد. تفسیر لفظی بر الفاظ و عبارات قرارداد تمرکز دارد و تلاش می‌کند تا از طریق تحلیل دقیق آن‌ها، نیت طرفین را مشخص کند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۱: ۱۹۲/۱). در مقابل، تفسیر اراده باطنی به دنبال کشف نیت واقعی طرفین است و در این راه، به عواملی مانند رفتارهای طرفین، مذاکرات پیش از انعقاد قرارداد، و عرف‌های موجود نیز توجه می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۱۷: ۱۱۱/۱-۱). در حقوق ایران و فرانسه، تفسیر اراده باطنی اهمیت ویژه‌ای دارد. ماده ۱۱۵۶ قانون مدنی فرانسه و ماده ۲۲۴ قانون مدنی ایران بر این نکته تأکید دارند که در تفسیر قراردادها باید به قصد مشترک طرفین توجه کرد و نباید تنها به معنای ادبی عبارات اکتفا شود (دادمرزی، ۱۳۷۹: ۶۲/۲). قراردادهای الکترونیکی چالش‌های جدیدی را در زمینه تفسیر قراردادها به وجود آورده‌اند. در این نوع قراردادها، عدم حضور فیزیکی طرفین و استفاده از الفاظ و عبارات فنی، نیاز به تفسیر دقیق‌تر و تخصصی‌تری دارند (حبیبی، ۱۳۱۹: ۳۷/۱). علاوه بر این، زمان و مکان انعقاد قراردادهای الکترونیکی نیز از موضوعات مهمی است که باید به دقت بررسی شود. برخلاف قراردادهای سنتی، در قراردادهای الکترونیکی این موضوع می‌تواند پیچیده‌تر باشد و نیازمند قوانین و مقررات خاصی است که باید رعایت شود (موسوی زاده، ۱۳۱۳: ۱۶۲/۲). عرف و عادت نیز در تفسیر قراردادها نقش مهمی ایفا می‌کنند، به‌ویژه در مواردی که نیت طرفین به‌وضوح از متن قرارداد قابل استنباط نیست (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۳: ۳۹/۱). در نهایت، تفسیر قراردادها به‌ویژه در قراردادهای الکترونیکی، نیازمند دقت و توجه بالا به جزئیات است تا حقوق و تعهدات طرفین حفظ و از بروز اختلافات جلوگیری شود (شهیدی، ۱۳۱۱: ۳۰/۱).

۲.۳ تحلیل و تفسیر حقوقی و فقهی قراردادهای الکترونیکی

باتوجه به اهمیت روزافزون فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی، قراردادهای الکترونیکی به یک عنصر کلیدی در تجارت مدرن تبدیل شده‌اند. بررسی این قراردادها از جنبه‌های حقوقی و فقهی نیازمند توجه به تفسیر و اجرای آن‌ها طبق قانون تجارت الکترونیکی ایران (ق.ت.ا) است. ماده ۳ ق.ت.ا به اهمیت «خصوصیت بین‌المللی» قانون اشاره کرده و بر ضرورت «توسعه هماهنگی بین کشورهای مختلف» و «رعایت حسن نیت» تأکید دارد. این ماده به نظر می‌رسد که به‌طور مستقیم از کنوانسیون‌ها یا پروتکل‌های بین‌المللی الهام گرفته شده است که هدف آن هماهنگی با قوانین جهانی در زمینه تجارت الکترونیکی است (کاتوزیان، ۱۳۱۷: ۱۱۱/۱-۱). در مقابل، ماده ۴ ق.ت.ا به دادگاه‌ها دستور می‌دهد که در صورت وجود سکوت یا ابهام در قانون، بر اساس سایر قوانین و با رعایت چارچوب فصول و مواد ق.ت.ا قضاوت کنند. این تعارض بین ماده ۳ و ماده ۴ می‌تواند مشکلاتی در تفسیر و اجرای قانون ایجاد کند. از دیدگاه فقهی، قراردادهای الکترونیکی باید با اصول کلی فقه اسلامی مانند «عدل»، «حسن نیت»، و «شفافیت» هم‌راستا باشند. اصول فقهی نظیر «اجازه»، «رضایت»، و «شرط» در قراردادها می‌تواند در تحلیل و بررسی مسائل مربوط به فسخ این قراردادها مفید واقع شود. قانون تجارت الکترونیکی ایران با هدف هم‌راستایی با قوانین بین‌المللی و ارائه چارچوبی برای تفسیر و اجرای قراردادهای الکترونیکی تدوین شده است، اما مشکلاتی از جمله عدم هماهنگی کامل با قوانین بین‌المللی و چالش‌های اجرایی در این زمینه وجود دارد. در زمینه فسخ قراردادهای الکترونیکی، اصل حق فسخ حداقل هفت روزه از اصول مهم قانون تجارت الکترونیکی ایران است که به مصرف‌کنندگان این امکان را می‌دهد که در مدت مشخصی از حق خود برای فسخ قرارداد استفاده کنند (ق.ت.ا، ماده ۳). این اصل با هدف حمایت از مصرف‌کنندگان و ایجاد شفافیت در معاملات الکترونیکی طراحی شده است. یکی از چالش‌های عمده در تفسیر و اجرای قراردادهای الکترونیکی، تعارض بین قوانین داخلی و اصول بین‌المللی است. اگرچه ماده ۳ ق.ت.ا به «خصوصیت بین‌المللی»

تأکید دارد، اما هماهنگی آن با قوانین داخلی و بین‌المللی ممکن است مشکل‌ساز باشد. این تعارض می‌تواند به مشکلاتی در اجرای قوانین و تفسیر آن‌ها منجر شود. برای رفع این مشکلات، نیاز به تطبیق قوانین داخلی با اصول بین‌المللی و فقهی است. قانون تجارت الکترونیکی ایران باید به گونه‌ای اصلاح شود که با اصول جهانی هماهنگ باشد و مشکلات تفسیر و اجرا کاهش یابد. توجه به اصول فقهی در قراردادهای الکترونیکی نیز می‌تواند به ایجاد چارچوب حقوقی و اجرایی قوی‌تر کمک کند.

۳.۳ قرارداد تجاری الکترونیکی

۱.۳.۳ مفهوم و ویژگی‌های قراردادهای تجاری

تجارت در زبان فارسی به معنای بازرگانی و دادوستد است و در اصطلاح حقوقی به معاملاتی اطلاق می‌شود که باهدف کسب منفعت صورت گیرد و به‌عنوان تجارت شناخته شود. در حقوق تجارت ایران، تعریفی خاص از قراردادهای تجاری ارائه نشده و قانون‌گذار تنها به توضیحات مختصری درباره برخی قراردادهای تجاری نظیر حق‌العمل‌کاری، حمل‌ونقل و نمایندگی تجاری پرداخته است (لنگرودی، ۱۳۱۱: ۴۲/۲). قراردادهای تجاری تحت ضوابط خاصی قرار دارند که به دو دسته نوعی و شخصی تقسیم می‌شود. برای تمییز این قراردادها از قراردادهای مدنی، باید ویژگی‌های خاص هر یک را مد نظر قرار داد. قراردادهای تجاری به طور معمول توسط تجار منعقد می‌شود و به عنوان ابزار اصلی برای اجرای معاملات بازرگانی شناخته می‌شود. اگرچه تعریف دقیقی از این قراردادها وجود ندارد، دکتر اعظمی زنگنه به تفاوت معاملات تجاری با سایر معاملات اشاره می‌کند و بر این باور است که عادات و رسوم تجاری باعث تمایز آنها می‌شود (اعظمی زنگنه، ۱۳۵۳: ۱۷۳/۱). برخی نظریات نیز بر این باورند که قراردادهای تجاری باید در چارچوب مشاغل بازرگانی نظیر بیع تجاری و رهن و ضمان تجاری بررسی شوند (کاتبی، ۱۳۱۷: ۱۵/۱). علی‌رغم تفاوت‌ها، اصول اساسی قراردادهای تجاری مشابه با قراردادهای مدنی است، مگر در مواردی که قانون تجارت یا عرف و عادت تجاری اصول خاصی را مقرر کرده باشد. تفاوت اصلی این قراردادها با قراردادهای مدنی به اصول سرعت و امنیت مرتبط می‌شود، که در حقوق تجارت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (صفایی: ۱۳۱۹، ۲۲/۱). در مقررات بین‌المللی، تجاری بودن قرارداد به معنای استثنای قراردادهای شخصی و خانوادگی از شمول این مقررات است. برای مثال، ماده ۲ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مصوب ۱۹۸۰ وین، قراردادهای شخصی را از شمول این کنوانسیون خارج می‌کند (اخلاقی: ۱۳۹۶: ۱۱۷/۱). اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی نیز اصطلاح تجاری را به معنای وسیع‌تری تفسیر می‌کنند (صفایی: ۱۳۱۹، ۲۲/۱).

۲.۳.۳ تجارت الکترونیکی و ویژگی‌های آن

تجارت به معنای تبادل کالا یا خدمات باهدف کسب منفعت مالی است. تجارت الکترونیکی با پیچیدگی‌ها و تحولات زیادی همراه است و ارائه تعریفی جامع از آن دشوار است. بر اساس تعریف باجاج، تجارت الکترونیکی به معنای مبادله اطلاعات تجاری بدون استفاده از کاغذ است و شامل نوآوری‌هایی مانند مبادله الکترونیکی داده‌ها، پست الکترونیکی و انتقال الکترونیکی وجوه می‌شود (باجاج، ۱۳۷۶: ۵-۳). این نوع تجارت فرایندهای دستی را خودکار کرده و به سازمان‌ها کمک می‌کند تا به محیطی کاملاً الکترونیکی منتقل شوند و شیوه‌های کاری خود را تغییر دهند. تجارت الکترونیکی به تبادل اطلاعات میان مؤسسات، سازمان‌ها و افراد با استفاده از ارتباطات شبکه‌ای اشاره دارد که می‌تواند شامل سامانه‌های تلفن معمولی، تلویزیون کابلی و بی‌سیم باشد (حبیبی، ۱۳۱۹: ۳۷/۱). سازمان تجارت جهانی در اعلامیه مورخ ۱۵ سپتامبر ۱۹۹۱، تجارت الکترونیکی را به‌عنوان تولید، توزیع، بازاریابی، فروش یا تحویل کالاها و خدمات از طریق ابزارهای الکترونیکی تعریف می‌کند. کمیسیون اروپایی نیز تجارت الکترونیکی را شامل پردازش و انتقال الکترونیکی داده‌ها و فعالیت‌های نظیر مبادله الکترونیکی کالاها و خدمات می‌داند (معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی، ۱۳۱۰: ۶-۱). قانون تجارت الکترونیکی ایران به طور خاص تعریفی از تجارت الکترونیکی ارائه نمی‌دهد و تنها به تعیین قلمرو و

شمول آن پرداخته است. باین حال، می‌توان گفت که تجارت الکترونیکی به معنای وسیع‌تری به کاررفته و شامل مبادلات دیجیتال از جمله اطلاعات و نرم‌افزارها نیز می‌شود (نوری، ۱۳۹۲: ۷۵/۱).

۳.۳.۳. قرارداد تجاری الکترونیکی

پیدایش فناوری اطلاعات و اینترنت تأثیرات زیادی بر تجارت و کسب‌وکارها داشته است و به‌ویژه مسئله انعقاد قراردادهای الکترونیکی را به چالش کشیده است. قرارداد تجاری الکترونیکی به‌وسیله ابزارهای الکترونیکی و در فضای مجازی منعقد می‌شود و نیازی به استفاده از کاغذ یا ابزارهای ملموس دیگر ندارد و می‌تواند از طریق ایمیل یا دیگر روش‌های الکترونیکی انجام گیرد. بر اساس ماده ۱ قانون تجارت الکترونیکی ایران، این قانون به منظور تنظیم و تسهیل مبادله اطلاعات به صورت الکترونیکی تدوین شده است و هدف کلی آن ایجاد اصول و قواعدی برای مبادله آسان و امن اطلاعات است (لنگرودی، ۱۳۹۱: ۴۲/۲). قراردادهای تجاری الکترونیکی همچنان تحت قواعد عمومی قراردادها قرار می‌گیرند، با این تفاوت که بستر انعقاد و اجرای آنها الکترونیکی است و نباید با مبادلات غیرتجاری الکترونیکی اشتباه گرفته شوند. در حقوق بین‌الملل، قراردادهای می‌توانند به هر شکلی، از جمله به صورت الکترونیکی، منعقد شوند و نیاز به شکلی خاص ندارند (محقق داماد، ۱۳۹۱: ۹۵/۱). بنابراین، قراردادهای تجاری الکترونیکی نوع خاصی از قراردادهای نیستند بلکه به دلیل بستر ویژه‌ای که دارند، نیازمند بررسی‌های حقوقی جدید یا تطابق با قواعد عمومی قراردادها هستند.

۴.۳. ابزارهای تفسیر قراردادهای تجاری الکترونیکی

۱.۴.۳ مبانی تفسیر قرارداد

در قراردادهای تجاری الکترونیکی، مشکلاتی ممکن است در زمینه اعتبار و منشأ پیام‌ها به وجود آید. این مشکلات به دلیل استفاده از ابزارهایی نظیر فکس یا ایمیل که ممکن است شفافیت لازم را نداشته باشند، ایجاد می‌شود. برای مثال، تعیین اعتبار فکس‌های ارسال شده و امضاهای الکترونیکی که ممکن است به‌صورت دیجیتالی ضمیمه شده باشند، چالش‌هایی را به همراه دارد. همچنین، ممکن است مشکلاتی در تعیین منبع واقعی پیام‌ها و صحت آنها پیش بیاید. در چنین شرایطی، استفاده از روش‌های تفسیر مشابه با قراردادهای سنتی، از جمله بررسی معنای دقیق عبارات و نیت طرفین، ضروری است. این روش‌ها شامل استفاده از اصول تفسیر قراردادها و ابزارهای قانونی موجود برای تعیین اراده واقعی طرفین و اطمینان از اجرای صحیح توافقات است (بهرامی، ۱۳۹۲: ۳۱/۱).

۲.۴.۳ وسایل تفسیر قرارداد

وسایل تفسیر قرارداد ابزارهایی هستند که برای شناسایی و فهم دقیق مفاد قرارداد به کار می‌روند. این وسایل شامل کلمات و قرائن، مقررات قانونی، و عرف می‌شوند. به عبارت دیگر، در قراردادهای الکترونیکی، مانند قراردادهای سنتی، اگر طرفین از عبارات مبهم استفاده کنند، تفسیر صحیح و دقیق آنها برای رفع ابهام و فهم صحیح مقصود ضروری است. در این راستا، بررسی اصول حقوقی و عرف اجتماعی برای درک بهتر مفاد قرارداد و شناسایی اراده مشترک طرفین بسیار مهم است. به‌ویژه، در مواردی که قوانین خاصی برای تفسیر قراردادها وجود ندارد، استفاده از اصول عمومی حقوقی و عرف می‌تواند کمک‌کننده باشد. به‌طور کلی، تفسیر قرارداد باید به‌گونه‌ای انجام شود که ابهامات برطرف گردد و مفاد قرارداد به‌درستی و مطابق با نیت واقعی طرفین اجرا شود (بهرامی، ۱۳۹۲: ۳۱/۱).

۳.۴.۳ مقررات قانونی

مقررات قانونی به‌عنوان یکی از ابزارهای تفسیر قراردادهای، به معنای قواعد تکمیلی‌ای هستند که برای پر کردن خلأ ناشی از سکوت طرفین قرارداد وضع شده‌اند. این مقررات معمولاً به‌منظور تطابق با روش‌های متعارف و وضعیت‌های موجود در قانون طراحی شده‌اند و به پر کردن نقاط ضعف یا خلأهای موجود در متن قرارداد کمک می‌کنند. به‌عنوان مثال، ماده ۳۴۴ قانون مدنی ایران مقرر می‌دارد که اگر در عقد بیع شرطی برای تسلیم مبیع یا تأدیه قیمت تعیین نشده باشد، بیع به طور قطعی و ثمن حال محسوب می‌شود، مگر اینکه عرف محل خلاف آن را تعیین کند. این قاعده به این معناست که اگر طرفین قرارداد به صورت خاص توافقی نکرده باشند، مقررات قانونی به طور ضمنی به قرارداد اعمال می‌شود تا وضعیت مبیع و قیمت روشن گردد. به همین دلیل، استفاده از این مقررات برای تکمیل و تفسیر قراردادها بسیار مهم است و باید توجه شود که این مقررات به طور کلی به نفع طرفین و بر اساس اراده مشترک آنها طراحی شده‌اند، مگر آنکه خلاف آن در قوانین خاص تعیین شده باشد (بهرامی، ۱۳۹۲: ۳۱/۱).

۴.۴.۳ عرف

عرف به‌عنوان یکی از ابزارهای تفسیر قرارداد، به معنای عادات و رسوم عمومی است که در جامعه برای تفسیر قراردادها به کار می‌رود. عرف می‌تواند به‌عنوان مبنای تفسیر قراردادها و روشن کردن ابهامات در قراردادها عمل کند. به‌عنوان مثال، در قراردادهای تجاری که در محیط‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی منعقد می‌شود، استفاده از عرف به شفاف‌سازی و فهم بهتر مفاد قرارداد کمک می‌کند. این به‌ویژه در قراردادهای الکترونیکی که ممکن است با چالش‌های جدیدی در زمینه تفاوت‌های فرهنگی و فناوری مواجه شوند، اهمیت بیشتری دارد. به این ترتیب، عرف اجتماعی و عادات تجاری می‌تواند به تعیین نحوه اجرای قراردادها و رفع مشکلات ناشی از تفاوت‌های فرهنگی و تکنولوژیکی کمک کند (بهرامی، ۱۳۹۲: ۳۱/۱).

۵.۳ شاخصه‌های تفسیر قرارداد الکترونیکی

۱.۵.۳ ایجاب تجاری الکترونیکی

ایجاب در لغت عربی به معنای واجب کردن، الزام کردن، و اعلام تعهد یا تملیک است و در معاملات به معنای واقع ساختن و محقق کردن به کار می‌رود. به‌طور کلی، ایجاب به معنای پیشنهاد انجام معامله است و شامل اعلام اراده فردی است که دیگری را بر اساس شرایط معین به عقد بستن می‌خواند و در صورت پذیرش پیشنهاد، به مفاد آن پایبند خواهد بود. تعریف فقهی ایجاب به این صورت است که ایجاب به‌عنوان انشای حقوقی که به نحو اقتضایی موجب اثر حقوقی است، شناخته می‌شود. در صورتی که ایجاب توسط طرف دیگر پذیرفته شود، اثر حقوقی به آن تعلق می‌گیرد و آثار حقوقی بر آن بار می‌شود. از نظر حقوقی، ایجاب باید شرایطی همچون کامل بودن، مشخص بودن، قاطع بودن و خطاب به طرف معامله را دارا باشد. در فقه امامیه، ایجاب عام مورد تردید واقع شده و تنها در موارد استثنایی معتبر است، در حالی که در برخی نظام‌های حقوقی ایجاب به عموم نیز پذیرفته شده و موجب الزام است (کاتوزیان، ۱۳۱۷: ۱-۱۱۱/۱). ایجاب تجاری الکترونیکی تفاوت چندانی با ایجاب در قراردادهای سنتی ندارد، با این تفاوت که در ایجاب الکترونیکی، ابزارهای الکترونیکی به عنوان وسیله‌ای برای ابراز اراده مورد استفاده قرار می‌گیرند. قانون‌گذاران به ویژه در حقوق ایران و سایر کشورهای پیشرفته، ایجاب الکترونیکی را به رسمیت شناخته و مقرراتی را برای آن وضع کرده‌اند. به عنوان مثال، ماده ۵ قانون تجارت الکترونیکی ایران و قوانین مشابه در کشورهای دیگر بر اهمیت ابزار الکترونیکی برای ابراز اراده تأکید دارند. تاریخچه پذیرش ایجاب الکترونیکی نشان می‌دهد که نخستین بار در توافق‌نامه‌های اینترنتی و پرونده‌های قضایی مربوط به نرم‌افزار، این نوع ایجاب مورد توجه قرار گرفت. مثلاً در پرونده "رودر علیه مایکروسافت"، دادگاه به اعتبار قرارداد الکترونیکی که از طریق کلیک بر روی گزینه «من موافقم» انجام شده بود، صحه گذاشت. یکی از چالش‌های مهم در قراردادهای الکترونیکی، تمییز میان ایجاب و دعوت به معامله است. برای مثال، اگر پیغام الکترونیکی به وضوح بر اراده قطعی ابرازکننده دلالت کند، قرارداد منعقد می‌شود، اما اگر صرفاً دعوت به

معامله باشد، عقدی شکل نمی‌گیرد. در قوانین مختلف، تفاوت‌هایی در تعریف و پذیرش ایجاب و دعوت به معامله وجود دارد. برای مثال، ماده ۱۹ دستورالعمل اتحادیه اروپا در مورد تجارت الکترونیک تأکید دارد که مشتری با ارسال سفارش، ایجاب می‌کند و وقتی فروشنده سفارش را تأیید کند، قرارداد تشکیل می‌شود. همچنین کنوانسیون بین‌المللی ۱۹۱۲ نیز میان ایجاب و دعوت به معامله تفاوت قائل شده است.

۲.۵.۳ قبول تجاری الکترونیکی

قبول در قراردادهای حقوقی به معنای رضایت بدون قید و شرط به مفاد ایجاب است. طبق ماده ۱۸ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، هر اظهار یا عمل که حاکی از رضایت به ایجاب باشد، به عنوان قبول محسوب می‌شود. تا زمانی که قبول از سوی مخاطب ایجاب صورت نگیرد، قرارداد به وجود نمی‌آید و قبول باید مطلق باشد، به طوری که در سطح جهانی قاعده «تصویر آینه‌ای» معروف است. این قاعده بیان می‌کند که قبول باید دقیقاً مطابق با ایجاب ارائه شده باشد و هرگونه قید و شرطی موجب عدم تحقق تراضی خواهد شد. در فقه امامیه، ایجاب و قبول به عنوان دو رکن اساسی عقد شناخته می‌شوند و معمولاً قبول لفظی به کار می‌رود، هرچند برخی از فقها مانند محقق اردبیلی به عدم لزوم الفاظ در انعقاد عقود فتوا داده‌اند و امروزه استفاده از معاطات نیز پذیرفته شده است (کاتوزیان، ۱۳۱۷: ۱۱۱/۱). در زمینه قبول تجاری، قانون مدنی حکم صریحی ندارد ولی اصول کلی حاکم بر صحت معامله که بر پایه اتحاد اراده طرفین است، قابل اعمال است. در حقوق مدنی، خواسته‌های باطنی بدون ابراز خارجی تأثیر حقوقی نخواهند داشت، زیرا عقد توافق دو اراده است. چگونگی احراز زمان نفوذ قبول باید با توجه به قراین و داوری عرفی انجام شود. از آنجا که قانون مدنی و متون فقهی به بحث درباره انعقاد قرارداد بین افراد حاضر پرداخته‌اند و در مورد قراردادهای میان غایبان ساکت هستند، قاضی می‌تواند با مراجعه به داوری عرفی حکم قضیه را بیابد. همچنین، با توجه به وضعیت تجاری و ضرورت کاهش ریسک‌ها، پیشنهاد می‌شود حقوق ایران به نظریه کنوانسیون درباره وصول قبولی تبعیت کند. در مورد قبول تجاری الکترونیکی، کلیک بر روی دکمه «بلی» یا «موافقم» به عنوان قبول محسوب می‌شود، زیرا طبق بند ۲ ماده ۶ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، برای قبول شکل خاصی مقرر نشده است و می‌تواند از طریق مکالمه، نامه، تلگراف، یا کلیک کردن روی دکمه انجام شود. سکوت به تنهایی به معنی قبول نیست، مگر در شرایط خاص مانند زمانی که طرفین در قراردادهای قبلی سکوت را به عنوان قبول پذیرفته‌اند یا این موضوع بر اساس عرف تجاری مشخص شود. بند ۱ ماده ۱۸ کنوانسیون بیع بین‌المللی نیز تأکید می‌کند که سکوت یا عدم اقدام به خودی خود دال بر قبول نیست، اما می‌تواند با شرایط خاص قبول باشد. همچنین، در تجارت الکترونیک، اعتبار و نفوذ قرارداد به صرف استفاده از داده پیام‌ها قابل انکار نیست و قوانین موجود در این زمینه نیز بر پذیرش ارزش اثباتی داده پیام‌ها تأکید دارد (کاتوزیان، ۱۳۱۷: ۱۱۱/۱).

۳.۵.۳ مقررات ایجاب و قبول الکترونیکی

مقررات ایجاب و قبول الکترونیکی در مورد وضعیت و مقررات ایجاب و قبول در قراردادهای منعقد از طریق واسطه‌های الکترونیک قانون نمونه آنسیترا و به تبع آن قانون تجارت الکترونیک ایران احکام خاصی پیش‌بینی نکرده‌اند.

۱.۳.۵.۳ انتساب داده پیام

در قراردادهای سنتی، طرفین با استفاده از کلمات، نشانه‌ها یا به صورت کتبی، اراده خود را به یکدیگر اعلام می‌کنند و هیچ مشکلی در انتساب اظهارات به آن‌ها وجود ندارد. این مسئله به‌ویژه در قراردادهای حضوری که طرفین به‌خوبی یکدیگر را می‌شناسند و در قراردادهای مکتوب که با امضاء طرفین همراه است، به‌سادگی قابل حل است. اما در تجارت الکترونیک، وضعیت پیچیده‌تر می‌شود؛ زیرا طرفین ممکن است هیچ تبادل فیزیکی نداشته و ممکن است یکدیگر را به‌کلی ناشناس باشند. قانون تجارت الکترونیک ایران،

باتکیه‌بر ماده ۱۳ قانون نمونه آنسیترا، از ماده ۱۸ تا ۲۱ مقررات خاصی را برای انتساب داده‌پیام‌ها وضع کرده است. طبق بند الف ماده ۱۸ قانون تجارت الکترونیک، داده‌پیام به اصل ساز نسبت داده می‌شود زمانی که توسط خود اصل ساز یا شخصی که از طرف او مجاز به ارسال داده‌ها است، ارسال شده باشد (وصالی ناصح، ۱۳۱۵: ۱۳۱/۶۶-۱۱۹). همچنین، بند ب ماده ۱۸ مقرر می‌کند که اگر داده‌پیام به وسیله سیستم‌های اطلاعاتی برنامه‌ریزی شده یا به صورت خودکار از جانب اصل ساز ارسال شود، باز هم به اصل ساز نسبت داده می‌شود. در نتیجه، تمامی داده‌پیام‌هایی که توسط خود اصل ساز، شخص مجاز از طرف او یا سیستم‌های رایانه‌ای تحت کنترل او ارسال شوند، به اصل ساز نسبت داده می‌شود و او را متعهد می‌سازد. بر اساس ماده ۱۹ قانون تجارت الکترونیک، در دو حالت خاص، مخاطب می‌تواند داده‌پیام‌های دریافتی را منسوب به اصل ساز بداند. اولین حالت زمانی است که اصل ساز قبلاً روشی برای شناسایی داده‌پیام‌های ارسالی معرفی یا توافق کرده باشد، در این صورت مخاطب می‌تواند طبق آن روش عمل کند (بند الف ماده ۱۹ قانون تجارت الکترونیک). همچنین، اگر مخاطب از طریق اقدامات شخصی که با روش‌های اصل ساز آشنا شده، داده‌پیام را به عنوان داده‌پیام خود شناسد، باید داده‌پیام را به اصل ساز نسبت دهد (ماده ۵ قانون تجارت الکترونیک). در دومین حالت، اگر مخاطب داده‌پیام‌ها را به طور معمول و متعارف خطاب به خود بپذیرد و عرفاً حق با او باشد، داده‌پیام باید به اصل ساز نسبت داده شود (بند ب ماده ۱۹ قانون تجارت الکترونیک). در برخی موارد ممکن است داده‌پیام‌ها از طرف اصل ساز ارسال نشده باشد و نتوان آنها را به او نسبت داد. در چنین شرایطی، اگر مخاطب نتواند انتساب داده‌پیام‌ها به اصل ساز را ثابت کند، داده‌پیام‌های دریافتی به اصل ساز نسبت داده نخواهد شد و او هیچ مسئولیتی در قبال آنها نخواهد داشت. همچنین، در صورتی که داده‌پیام به اشتباه ارسال شده باشد، مخاطب نمی‌تواند آن را به اصل ساز نسبت دهد. طبق ماده ۲۰ قانون تجارت الکترونیک، موادی که داده‌پیام از اصل ساز صادر نشده یا به اشتباه ارسال شده، شامل ماده ۱۹ این قانون نمی‌شود. مطابق ماده ۲۱ قانون تجارت الکترونیک، هر داده‌پیام به طور مستقل و مجزا در نظر گرفته می‌شود، مگر اینکه مشخص شود که داده‌پیام نسخه جدیدی از داده‌پیام اولیه است؛ بنابراین، زمانی که مخاطب داده‌پیام را از اصل ساز دریافت می‌کند، می‌تواند آن را به عنوان یک داده‌پیام مستقل و مجزا در نظر بگیرد و بر اساس آن عمل کند، مگر اینکه به طور معقول بداند یا باید بداند که داده‌پیام نسخه‌ای از داده‌پیام اصلی است (وصالی ناصح، ۱۳۱۵: ۱۳۱/۶۶-۱۱۹).

۲.۳.۵.۳ تصدیق دریافت داده پیام

در دنیای مجازی و تجارت الکترونیک، به دلیل اهمیت امنیت مبادلات، صرفاً انتساب داده‌پیام به اصل ساز کافی نیست و لازم است که دریافت داده‌پیام‌ها توسط مخاطب نیز تصدیق شود. به عبارت دیگر، برای تأیید آگاهی طرفین از اعلام اراده یکدیگر، تأیید دریافت داده‌پیام‌ها از سوی مخاطب ضروری است. طبق مواد ۲۲ تا ۲۵ قانون تجارت الکترونیک ایران، که بر مبنای ماده ۱۴ قانون نمونه آنسیترا تنظیم شده است، شرایط تصدیق دریافت داده‌پیام‌ها به شرح زیر است: اولاً، در صورتی که اصل ساز به طور صریح هرگونه اثر حقوقی داده‌پیام‌ها را مشروط به تصدیق دریافت آن‌ها از سوی مخاطب کرده باشد، تا زمانی که مخاطب تصدیق دریافت داده‌پیام‌ها را انجام ندهد، داده‌پیام‌ها به عنوان ارسال شده تلقی نمی‌شوند و هیچ اثر حقوقی بر آن‌ها بار نخواهد شد (مستفاد از ماده ۲۳ قانون تجارت الکترونیک) (وصالی ناصح، ۱۳۱۵: ۱۳۱/۶۶-۱۱۹). بنابراین، ممکن است اصل ساز قبل از یا در حین ارسال داده‌پیام‌ها از مخاطب بخواهد یا با او توافق کند که دریافت داده‌پیام‌ها را تصدیق کند. در چنین حالتی، عدم تصدیق دریافت به معنای عدم تحقق ارسال داده‌پیام‌ها از جانب اصل ساز خواهد بود. ثانیاً، قانون تجارت الکترونیک ایران در مواردی که تصدیق دریافت شرط نشده باشد، سکوت کرده است. این وضعیت در بند ۴ ماده ۱۵ قانون نمونه آنسیترا پیش‌بینی شده و در پیش‌نویس اولیه قانون تجارت الکترونیک ایران در ماده ۳۲ آمده بود که بعداً به دلیل ایرادات شورای نگهبان حذف شد. این ماده مقرر کرده بود که اگر اصل ساز درخواست تصدیق دریافت داده‌پیام‌ها از مخاطب نکرده باشد و یا به صراحت هرگونه اثر حقوقی داده‌پیام‌ها را مشروط به تصدیق دریافت نکرده باشد، اصل ساز باید اقدامات زیر را انجام دهد: (۱) به مخاطب اطلاع دهد که تصدیق دریافت انجام نشده و با دادن وقت معقولی، که نباید از ۲۴ ساعت بیشتر باشد، از او بخواهد که دریافت داده‌پیام‌ها را تصدیق کند. (۲) اگر در مدت تعیین شده

تصدیق دریافت نشود، اصل ساز با ارسال پیام تکمیلی اعلام کند که داده پیام‌ها هرگز دریافت نشده و اثر حقوقی بر آن‌ها مترتب نخواهد بود (وصالی ناصح، ۱۳۱۵: ۱۳۱/۶۶-۱۱۹). در حال حاضر، با حذف این ماده، وضعیت زمانی که تصدیق دریافت شرط نشده است، همچنان نامشخص باقی مانده است؛ اما بر اساس ماده ۲۶ قانون تجارت الکترونیک، به نظر می‌رسد که ارسال داده پیام‌ها باید به محض تحقق، اثر حقوقی داشته باشد. ثالثاً، روش تصدیق دریافت داده پیام‌ها اختیاری است و طرفین می‌توانند در مورد روش خاصی که مورد قبولشان است توافق کنند. اگر روش تصدیق توسط طرفین تعیین شده باشد، آن‌ها باید مطابق با آن عمل کنند تا ارسال داده پیام‌ها محقق شود. در صورتی که در مورد شکل یا روش خاصی توافق نشده باشد، تصدیق دریافت می‌تواند از طریق هر نوع ارتباط خودکار یا مکاتبه که مخاطب را به طور معقول از دریافت داده پیام مطمئن کند، انجام شود. بنابراین، در حالت عدم توافق در مورد روش تصدیق، تصدیق به دو صورت انجام می‌شود: اولاً، از طریق هر نوع ارتباط و مکاتبه از سوی مخاطب، و ثانیاً، با اتخاذ هر نوع تدبیر مناسبی که اصل ساز را به طور معقول از دریافت داده پیام‌ها مطمئن کند (وصالی ناصح، ۱۳۱۵: ۱۳۱/۶۶-۱۱۹).

۶.۳ اصول حقوقی مندرج در قانون تجارت الکترونیک

۱.۶.۳ اصل اختیار حق فسخ حداقل هفت روزه

یکی از اصول اساسی در قراردادهای الکترونیکی که در قانون تجارت الکترونیک به رسمیت شناخته شده، اصل حق فسخ حداقل هفت‌روزه برای مصرف‌کنندگان در معاملات از راه دور است. این اصل که به نظر می‌رسد یکی از نوآوری‌های حقوقی در فقه و حقوق ایران باشد، به‌ویژه در ماده ۳۷ قانون تجارت الکترونیک به‌عنوان یکی از اصول مهم قراردادهای الکترونیکی مطرح شده است. در حقوق مدنی، یکی از انواع حقوقی که به طرفین قراردادها داده می‌شود، «حق انصراف» یا همان «خيار مجلس» است که در ماده ۳۹۷ قانون مدنی ذکر شده است. در مورد اینکه آیا این حق در قراردادهای الکترونیکی نیز وجود دارد یا خیر، دو نظر متفاوت وجود دارد. برخی معتقدند که حق انصراف تنها در معاملاتی که طرفین با بدن و جسم خود در یک مکان حاضر شوند، کاربرد دارد، و بنابراین در معاملات الکترونیکی که چنین حضوری وجود ندارد، این حق قابل اعمال نیست. در مقابل، نظر دیگری وجود دارد که معتقد است در عقد بیع، ارتباط فکری و معنوی طرفین اهمیت دارد و حضور فیزیکی الزامی نیست. به نظر می‌رسد که امکان اعمال حق انصراف در تجارت الکترونیکی وجود دارد، هرچند که قوانین موضوعه به‌طور خاص به این موضوع نپرداخته‌اند. در معاملات الکترونیکی، خریدار می‌تواند با قطع ارتباط با فروشنده یا اعلام انصراف از معامله، مراحل خرید را تکمیل نکرده و مبلغی پرداخت نکند. به نظر می‌رسد که مفهوم «مجلس» به معنای نشست فیزیکی طرفین نیست، بلکه بیشتر به دلیل آن است که در گذشته اکثر معاملات به‌صورت نشسته و در یک مکان انجام می‌شد. در واقع، آنچه در تحقق این حق اهمیت دارد، حضور عرفی متعاملین است و صرفاً نشست فیزیکی ملاک نیست. در قراردادهای الکترونیکی، فروشنده و خریدار معمولاً در مکان‌های مختلف و حتی در قاره‌های مختلف قرار دارند، اما مفهوم عرفی «در یک مجلس بودن» هنوز قابل تحقق است. با این حال، حق فسخ هفت روزه در قانون تجارت الکترونیک محدودتر از حق انصراف است و تنها به مصرف‌کنندگان اختصاص دارد. این حق به‌طور کلی به نوع خاصی از قراردادها محدود نمی‌شود و در تمامی قراردادهای از راه دور قابل اعمال است (السان، ۱۳۹۵: ۷۳/۱۶).

۲.۶.۳ قواعد حاکم بر قراردادهای الکترونیک

در حقوق ایران، قوانین خاصی برای اعتبار شرط انتخاب دادگاه در قراردادهای الکترونیکی وجود ندارد، بنابراین اجرای چنین توافقی‌هایی باید مطابق با اصول اعتبار قراردادهای عمومی بررسی شود. بر اساس اصل حاکمیت اراده، طرفین می‌توانند توافقاتی انجام دهند که مخالف قانون و نظم عمومی نباشد. در صورت نبود صراحت در قرارداد یا اختلاف نظر، قوانین به‌عنوان منبعی برای تفسیر و حل اختلافات به کار می‌روند. اگر قرارداد بین‌المللی باشد، انتخاب قانون حاکم نیازمند بررسی بیشتر است. تعیین قانون حاکم بر قرارداد به‌وضوح بر الزامی بودن آن تأثیر می‌گذارد و زمان و مکان انعقاد قرارداد را نیز مشخص می‌کند. در معاملات الکترونیکی، به‌ویژه

در حراج‌های آنلاین، لازم است که قانون مشخصی برای تعیین سرنوشت قرارداد مشخص شود تا از ابهام جلوگیری شود. قوانین معمولاً منعطف و روشن هستند تا در شرایط مختلف قابل اعمال باشند. اصل حاکمیت اراده در تعیین قانون حاکم بر قراردادهای الکترونیکی به قوت خود باقی است؛ یعنی طرفین می‌توانند قانون حاکم را به صورت صریح یا ضمنی انتخاب کنند، و این انتخاب می‌تواند شامل کل قرارداد یا بخش‌های خاصی از آن باشد. در حقوق اتحادیه اروپا و ایالات متحده، آزادی طرفین در انتخاب قانون حاکم به رسمیت شناخته شده و می‌تواند به قواعد غیردولتی یا کنوانسیون‌های بین‌المللی ارجاع داده شود. با این حال، در حقوق ایران، ماده ۹۶۸ قانون مدنی محدودیت‌هایی برای انتخاب قانون حاکم تعیین کرده است که به گفته برخی حقوقدانان، این محدودیت‌ها باید در قراردادهای بین‌المللی در نظر گرفته شود. به رغم این محدودیت‌ها، تحولات قانونی اخیر و پذیرش روزافزون قواعد غیر دولتی در داورهای تجاری بین‌المللی نشان می‌دهد که حاکمیت اراده طرفین برای تعیین قانون حاکم همچنان از اعتبار برخوردار است (شهاوند، ۱۳۹۶: ۴۲/۲۲).

۳. نتیجه‌گیری

این تحقیق به بررسی ابعاد فقهی و حقوقی قراردادهای الکترونیکی و فسخ آن‌ها از منظر فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران پرداخته است. با گسترش فناوری‌های دیجیتال و افزایش استفاده از قراردادهای الکترونیکی، نیاز به تطبیق قوانین موجود با این تحولات جدید بیش‌ازپیش احساس می‌شود. در این راستا، این تحقیق با تحلیل اصول فقهی و مواد قانونی، به دنبال ارائه راهکارهایی برای رفع چالش‌های موجود در زمینه انعقاد، تفسیر و فسخ قراردادهای الکترونیکی است. در ابتدا، اهمیت قراردادهای الکترونیکی و نقش آن‌ها در تجارت مدرن مورد بررسی قرار گرفت. سپس به تحلیل و تفسیر جنبه‌های مختلف حقوقی و فقهی این نوع قراردادها، از جمله شرایط ایجاب و قبول، انتساب داده‌پیام، و تصدیق دریافت پیام‌ها پرداخته شد. یکی از مهم‌ترین اصول مورد بحث، حق فسخ حداقل هفت‌روزه برای مصرف‌کنندگان بود که به عنوان یکی از نوآوری‌های حقوقی در قانون تجارت الکترونیک ایران شناخته شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که با وجود تلاش‌های انجام شده برای تطبیق قوانین داخلی با اصول بین‌المللی، همچنان چالش‌هایی در زمینه اجرای این قوانین وجود دارد. به منظور رفع این چالش‌ها، تطبیق بیشتر قوانین داخلی با استانداردهای بین‌المللی و توجه به اصول فقهی در تفسیر و اجرای قراردادهای الکترونیکی ضروری است. این تحقیق با ارائه راهکارهایی عملی، به بهبود فرایندهای اجرایی در زمینه قراردادهای الکترونیکی کمک کرده و به ایجاد چارچوبی جامع برای مدیریت این نوع قراردادها در حقوق ایران و فقه اسلامی می‌پردازد.

منابع

- مرتضی مرادی گلستانی. ۱۴۰۱. بررسی فقهی حقوقی اقاله الکترونیکی. د/د.رس. ۰۰-۲۳-۱۵۴.
- پروین اکبرینه، رقیه واحد. ۱۳۹۷. بررسی آثار قراردادهای بیع الکترونیکی. ششمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم/انسانی، مدیریت و کارآفرینی/ایران ۴۰-۳۲-۲۰.
- تقی شهاوند، مهدی قلی کیانی. ۱۳۹۶. مروری بر شرایط صحت قراردادهای الکترونیکی. سومین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ۵۰-۴۲-۲۲.
- مصطفی‌السان، لیلا نجفی زاده، میرمهدی حسینی اشلقی، حسین صبوری. ۱۳۹۵. مبانی فسخ قرارداد در فقه امامیه و حقوق ایران. قضاوت. ۷۳-۸۹. ۶.
- نوری، محمدعلی و نجوانی، رضا، ۱۳۹۲، حقوق تجارت الکترونیکی، ج ۱. تهران: انتشارات گنج دانش، ص ۷۵.
- بهرامی، ب. (۱۳۹۲). *بایسته‌های تفسیر قوانین و قراردادهای* ج ۱. تهران: انتشارات نگاه بینا ص ۳۱.

- دکتر همایون مافی، دکتر سام محمدی، حسن کاویار. ۱۳۸۹. مفهوم قرارداد تجاری الکترونیکی و ارتباط آن با قرارداد بین المللی. کانون ۱۲۲-۱۰۴. ۱۱۳
- دادرزی، مهدی، ۱۳۷۹، مفهوم عقد در قانون مدنی، مجله پژوهش‌های فلسفی-کلامی، شماره ج ۲، ص ۶۲.
- باجاج و نگ دبجانی، از مبادله الکترونیکی تا تجارت الکترونیکی، ۱۳۷۶، مترجم: دکتر ایرج بهنام مجتهدی، ج ۲. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، صص ۵-۳.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۷۳، دانشنامه حقوقی، ج ۱، تهران: امیرکبیر، ص ۳۹.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۷۱، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۱، چاپ اول، تهران: کتابخانه گنج دانش، ص ۱۱۹۲.
- اخلاقی، بهروز، ۱۳۶۹، حقوق تجارت (جزوه درسی)، ج ۱. انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، ص ۱۱۷.
- اعظمی زنگنه، عبدالمجید، ۱۳۵۳، حقوق بازرگانی، ج ۱. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۱۷۳.
- حبیبی، محمود، ۱۳۱۹، تفسیر قراردادهای تجاری بین‌المللی، چاپ اول، ج ۱. تهران: نشر میزان، ص ۳۷.
- صفایی، حسین، ۱۳۱۹، دوره مقدماتی حقوق مدنی، ج ۱، تهران: نشر میزان، ص ۲۲.
- کاتبی، حسینقلی، ۱۳۱۷، حقوق تجارت، ج ۱. تهران: انتشارات گنج دانش، ص ۱۵.
- کاتوزیان، ۱۳۱۷: قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار، ص ۱۱۱-۱.
- وصالی ناصح، مرتضی، ۱۳۱۵، «قرارداد الکترونیک و مبانی اعتبار آن»، مجله کانون، شماره ج ۶۶، صفحه ۱۳۱-۱۱۹.
- موسوی زاده، رضا، ۱۳۱۳، حقوق معاهدات بین‌المللی، چاپ دوم، ج ۲. تهران: نشر میزان، ص ۱۶۲.
- شهیدی، مهدی، ۱۳۱۱، اصول قراردادها و تعهدات، ج ۱، تهران: انتشارات مجد، ص ۳۰.
- محقق داماد، مصطفی و دیگران، ۱۳۱۱، حقوق قراردادها در فقه امامیه، ج ۱، تهران: انتشارات سمت، ص ۹۵.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۱۱، ج ۲. توضیح‌المصطلحات حقوقی، تهران: انتشارات گنج دانش، ص ۴۲.
- معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی، ۱۳۱۰، انتقال الکترونیکی وجوه و بانکداری الکترونیکی، ج ۱. تهران: انتشارات سی‌زان، صص ۶-۱.